

عنوان

ترجمه از نیرنگ خیال مترجم میرور خان گویا

افسانه ها عموماً دارای عنوان است و باید عنوان از موضوع افسانه نماینده کی کند موضوع ، مرام ، محیط ، سببیه هر یک در عنوان اثری داشته و میتوان عنوان را مناسب به یکی از آنها مقرر نمود . خوب است عنوان با خصائص اصلی و صفات افسانه مطابقتی داشته باشد اما قدرت ایجاد و توانائی افسانه نگار در انتخاب عنوان اثری تمام دارد و عنوان این چنین افسانه نگار میتواند از افسانه نماینده کی کرده تاثیر آن را بر دماغ خوانندگان بیفزاید . عموماً فکر خوندنده در اختتام افسانه به عنوان رجوع و بسراغ تاثیر حکایه که از عوامل سببیه ، محیط ، مطلب و غیره نشأت کرده می افتد پس باید عنوان محصول بلند ترین پرواز خیال افسانه نگار بوده باشد ، بر علاوه میتوان گفت نخستین کار عنوان این است که اشاره مؤثری جانب مضمون داشته باشد زیرا خواننده از آغاز به خوش آید کی و تاثیر آن میل داشته و میخواهد از تاثیر آن محظوظ شود .

ممکن است يك عنوان حسن تجسس را بیدار و ذهن خواننده را بسوی خود معطوف نماید هر گاه عنوان از نمایندگی مضمون کفالتی نه نماید ذهن خواننده بمنظره کربهی تصادف و از قبول آن بصد ها فرسنگ گریز خواهد نمود .

بسا که از بی تناسبی بین عنوان و مضمون افسانه ها بطاق نسیان مانده منظور مطالعه نگشته است ولی نبایست افسانه نگار به پیدا کردن عنوانات خوب قانع گشته و از سایر مزایای آن غفلت نماید چه افسانه مزایای دیگری هم داشته که احتمام آن از وظائف افسانه نگار است خلاصه پیدا کردن عنوان مطابق

بافسانه ازار کان مهمه این فن بشمار میرود اگرچه پیدا کردن آن فرصت و مهلتی بکار داشته باشد. اکنون از توضیح اشاراتی چند در ذیل نا کریم:

۱ - اختصار که خوبی عنوان را میرساند چه عنوان محفظه نیست که مشتمل بر تمام بود و نبود افسانه باشد بلکه يك اشاره مؤثر و کنایه لطیفی است.

گاه عنوان يك کلمه و مفرد میباشد مانند (کوتار) و گاه مرکب از عدّه الفاظ مانند (مصیبت انکشتري) ولی حقیقتاً اصول افسانه نگاری احدی را از حدود صحیح آن اجازة تجاوز نمیدهد - اطالت عنوان در عوض آنکه اثر را خوش آیند سازد سبب ابهام آن می گردد ازین جهت است که اختصار را نیکو و اطناب را زشت میدانند - چرا که عموم اسامی بجملة اختصار آراسته است. از درازی عنوان خواننده بگمان می افتد که شاید افسانه دراز باشد یا مؤلف نمیتواند افکار خود را بنقطه فراهم آورد. افسانه های کبلنک، استیونس - کیدی مولیان - و فرانسوا کوبه معنون بعنوانین ذیل « دی » « مارخیم » « نیکلس » « سبیتچیوت »

They Marked the Night with Stars

هر يك دليل روشن اطناب افسانه و ابجاز عنوان است.

۲ عنوان قشنگ همیشه دارای شگفتی، و انجذاب و جدت بوده خواننده را حتماً مجذوب و مجلوب خود می سازد.

اهمیت جدت و انجذاب در عنوان وقتی معلوم می شود که فن اعلان نویسی را تحت نظر دقت قرار دهیم از بدیهیات است که اعلان معنون بعنوان قشنگ و جالب توجه در شهرت کمتر از شهرت رجال نامور میباشد.

همچنین باید ادبیات در جذابیت جالب توجه عموم باشد زیرا میل عموم

بادبیات جدید بیشتر میباشد و ازینجهت است اختراعات تازه ، تشبیهات غریب و استعارات بکر مورد قبول طبایع واقع میگردد - پس عنوانیکه دارای صفات فوق باشد بزودی رواج یافته و محررین از چنین عنوان تقلید و اقتفا نموده نام خود را در عنوان گذاری شهره آفاق می سازند .

در ادبیات مغرب چنین عنوانها بنظر میرسد . کیلنگ از رهگذر اینچنین عنوانها دولت قبول عامه یافته بر خلاف عنوانهای استیونسن چندان حلاوتی ندارند مانند (ما رخیم) زیرا درین عنوان جاذبیت مخصوصی نیست - ممکن است که خواننده از افسانه نا خوانده بگذرد . عظیم بیک چغتایی افسانه بعنوان (جنت و غول) نگاشته ولی عنوانش چندان جذاب نیست چون عنوان دارای شگفتی و حامل ندرت است ازین رو نام قهرمان افسانه را غول گذاشتن خالی از غرابتی نیست بر علاوه معنی آن نیز اختصاص و انجذابیت ندارد .

۳ عنوان بر جسته باید از حیث معنی خود کامل باشد تا خواننده در نخستین نگاه فیصله قطعی بتواند - ابهام و اشتراك لفظی از حسن عنوان میکاهد . الفاظ وحشی آهنگ و تاثیر آن و ابغارت میدهد سخن باید بزبور مطلب آراسته و از غائله تعقید مبرا و دارای تاثیر باشد ازینجهت افسانه نگارانت ماهر غرب اصول فوق را مراعات نموده و گاهی هم محاوره و یا ضرب المثلی را برای افسانه عنوان مقرر میکنند یکی از افسانه های بالزاک (قضیه ماتحت خوف) نام داشته و ظاهر است که تصور و پلان افسانه مذکور باین نام چندان مناسبتی نداشته و مقتضی عنوان موافقتری بود زیرا (قضیه) عام بوده مثلاً کشت و خون نهب و غارت - هرج و مرج و دیگر ازین قبیل چیزها همه قضیه اند پس تحت اثر خوف بودن قضیه

یعنی چه؟ زیرا ذهن خواننده ازین عنوان ابدأ به مضمون منتقل نمیشود - همچنین یکی از افسانه‌های سدرشن (تکدم) نام داشته که لفظی است عامیانه و بازاری و معنی مخصوصی هم در آن مضمون نیست اگرچه از تمایلات نفسانی سه تن حکایه میکند ولی عاطفه را که از مجموع افسانه بر می آید نمایندگی ندارد. از خصوصیات عنوان یکی آنست که با وجود تطابق آن با افسانه بمعنی خود نیز مکمل باشد، عنوانهای را شدالخیزی و منشی بریم چند دارای این صفات است ولی تمثیلات آغا حشر کشمیری درین خصوص گوی سبقت ربوده.

۴ - در عنوان برجسته صحت خیال و اعجاز نگارنده توام جلوه گری دارد یعنی عنوان بمعنی و مفهوم حقیقی خود از افسانه نمایندگی میکند. عنوان برجسته قطع نظر از تناسب و توافق آن اثری مخصوص و درستی را هم پیدا می کند چه عنوان برجسته به سنجیه و محیط غایب تاثیر و روی هم رفته بسا اثر چیزهای قیمتی بیشتر اشارتی دارد تا خبرهای معمولی و غیر مهم، فرق در بین عنوان مناسب و برجسته آن است که عنوان برجسته از تاثیریکه دارد احساسات قاری را برای مطالعه و قانع آتی بیدار می سازد؛ عنوان افسانه ای دیگر اینلن پو «کاسک آف امون تی لید و» *Cask of Amonte Leda* خیلی مناسب است ولی عنوان افسانه هویسان «اوناوندنا» *Uno Vendeta* نسبت با آن بهتر است. عنوان افسانه را شد الخیزی (موی سفید مطلقه) بینهایت مناسب و خیلی بجاست عنوان افسانه بزیت هارد «آوت کاست آف دی پوکر فلیت» *Out Cash of the Pocherplate* هم مناسب است و عنوان افسانه میری و لکنس فرمین «ریوولک آف دی مدر» *Revolt of the Mother* نیز دارای همین تناسب است صحت خیال در ایجاد عنوان کمک و تناسب آن را با معنوی میرساند. در صورتی که عنوان مناسب باشد نه آغاز و انجام افسانه ملال آور می شود و نه مورد طعن باقی میماند

که گویند عنوان چیزی و افسانه چیزی است از انتخاب عنوان حسن خیال و لطافت فوق نگارنده ظاهر می شود. در ایجاد افسانه و انشای عنوان احساس تناسب لازم است عنوانی که سرحد معیار خود رسیده باشد همیشه قشنگ است، عنوان بعضی افسانه های سدرشن در ینخصوص ممتاز است و نیز برخی از عناوین را شد الخیری و منشی پریم چند دارای این عیارند.

۵ - باید عنوان برجسته طلسمی از جذابی بوده افکار قاری را بخود جذب و توجهش را قهراً بسوی خود منعطف سازد؛ نا گفته نماند که عنوان بمحض جذابی خود گوی گامیابی نمی رباید مگر در صورتی که دارای حسن کنایه و لطف تاثیر و راز سر بسته ایما بوده فکر قاری ازدیدن آن در فضای بی انتهای تخیل پرواز نماید. عنوان افسانه جیمس هنری (میدونای مستقبل) از حیث اوصاف مذکور بی مانند است چه با وجودیکه صحت خیال نویسنده در آن جلوه گر است در انجذاب و تاثیر ساده کی همه منحصر بفرد میباشد تصور میدونای گذشته از حال و استقبال خواننده را بجانب ماضی میکشاند. صنعت کاران قدیم از خیال غیر مرئی (آرپت) بنام میدونای مجسمه ساخته بودند پس لفظ مستقبل در آن بازمنه بی انتهائی اشاره می نماید چه مستقبل و میدونای هر دو بجانب فضای بی انتهائی اشارت می نماید که خیال محال و هم پرستان در ساحت آن صورت امکان میگردد.

عنوان در صورتی قلمرو دماغ خواننده را مسخر تاثیر خود می نماید که در انعکاس حسن شاهد مضمون بمثابه آئینه بدن نمابوده از تمام زیبایی و دل انگیزی های آن حکایت کند چنانکه قاری بعد از ختم درین شخص که افسانه است وین مثال آن که از عنوان جلوگیری دارد ابدأ فرق تواند درینجاست که خیال طپش های بسملانه سر کرده و بجاد و طرازی عنوان سراپا تسلیم می شود.